

## سیاست‌های انگلستان از نگاه اندیشمندان ایران و عثمانی در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی

غلامعلی پاشازاده<sup>۱</sup>

### چکیده

ایران و عثمانی، در قرن نوزدهم میلادی به‌طور هم‌زمان، با برنامه‌های استعماری دولت انگلیس مواجه بودند که به دنبال گسترش نفوذ و تحکیم موقعیت خود در مقابل رقیبان استعماری مانند روسیه و فرانسه بود و همین امر موجب شد تا اندیشمندان دو جامعه در مورد مناسبات با دولت انگلیس تأمل کنند و راهکارهایی را در این عرصه به دولتمردان خود ارائه دهند. نحوه رویکرد این اندیشمندان به سیاست‌های انگلستان مسئله‌ای است که در پژوهش حاضر با مطالعه موردی اندیشه‌های میرزا یوسف خان مستشارالدوله از ایران و نامق کمال از عثمانی بررسی تطبیقی خواهد شد. هر دو نفر آنها در نیمه دوم قرن نوزدهم به مناسبات با انگلستان توجه کردند؛ بنابراین، در پژوهش حاضر با مطالعه تطبیقی اندیشه‌های آنان، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که دو اندیشمند مورد بحث در مورد مناسبات با دولت انگلستان چه ویژگی‌های مشترکی به لحاظ فکری دارند؟ حاصل پژوهش نشان می‌دهد که مشکلات همسان دو جامعه در عرصه بین‌المللی به‌رغم اختلاف‌های دو دولت، اندیشمندان آنها را به دیدگاه‌هایی مشترک در مورد انگلستان سوق داده بود.

### واژگان کلیدی:

ایران، عثمانی، سیاست‌های انگلستان، اندیشمندان، قرن نوزدهم.

## مقدمه

ایران و عثمانی در قرن نوزدهم میلادی با مسائل مشابهی مواجه بودند که یکی از آنها به عرصه بین‌المللی و مواجهه با دولت‌های استعماری غربی مربوط می‌شد. در این قرن، ایران و عثمانی به‌عنوان ممالک مهم جهان اسلام، عرصه رقابت قدرت‌های اروپایی بودند و دولت‌هایی مانند انگلستان، روسیه و فرانسه هرکدام به‌دنبال اهداف و مطامع خود شروع به گسترش نفوذ در ایران و عثمانی کردند. روسیه در طول قرن نوزدهم میلادی به‌دنبال عملی کردن اهداف بلندمدت خود و دسترسی به آب‌های گرم بود و این هدف با تهاجم به قلمرو ایران و عثمانی محقق می‌گشت؛ بنابراین، برای تأمین اهداف خود در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی عهدنامه‌هایی مانند گلستان و ترکمانچای را به ایران تحمیل کرد و با عهدنامه "حونکار اسکله‌سی" امتیازهایی را از عثمانی گرفت. تحرک‌های روس‌ها، انگلستان را که بر هندوستان چنگ انداخته بود، به شدت نگران می‌کرد و موجب می‌شد که آنها سیاست‌هایی را برای تأمین امنیت هند در ایران و عثمانی پیگیری کنند. در واقع، تأمین امنیت هند محور اصلی و اساسی سیاست خارجی انگلستان در طول قرن نوزدهم میلادی بود. دوستی‌ها و دشمنی‌های آنها با ایران و عثمانی در قرن نوزدهم با تأمین امنیت هندوستان ارتباطی تنگاتنگ داشت. اندیشمندان ایران و عثمانی در چنین وضعیتی در مورد مناسبات با قدرت‌های اروپایی از جمله استعمار انگلستان تأمل کردند و حاصل تفکرات خود را به دولتمردان دو جامعه ارائه نمودند و یا آنها را در معرض افکار عمومی قرار دادند.

میرزا یوسف خان مستشارالدوله از ایران و نامق کمال از عثمانی در زمره این اندیشمندان بودند. مستشارالدوله (درگذشت ۱۳۱۳ق./ ۱۸۹۵م.) در پست‌های مختلفی در وزارت امور خارجه و وزارت عدلیه خدمت کرده بود. نامق کمال (۱۸۸۸ - ۱۸۴۰م.) شاعر، ادیب و روزنامه‌نگاری بود که وارد خدمات اداری در دولت عثمانی نیز شد. هر دو اندیشمند شاهد برنامه‌های انگلستان در مورد ایران و عثمانی قرن نوزدهم میلادی بودند و این فرصت برایشان مهیا شد که با سفر به انگلستان از نزدیک با این دولت، اهداف و برنامه‌های کلان آن آشنا شوند و در مورد ماهیت تمدن انگلیسی و مناسبات جامعه خود با استعمار انگلستان تأمل نمایند. نحوه رویکرد این دو اندیشمند به مناسبات جامعه خود با انگلستان مسئله‌ای است که در مطالعه‌ای تطبیقی بررسی خواهد شد.

در مورد پیشینه تحقیق باید گفت که مطالعات زیادی در باره هرکدام از این دو اندیشمند در ایران و عثمانی انجام شده است؛ اما در این مقاله برای اولین بار است که به رویکرد هم‌زمان

آنها در بارهٔ سیاست‌های انگلستان توجه می‌شود. اطلاعات تحقیق از آثار و نوشته‌های خود اندیشمندان در رساله‌ها، اسناد، روزنامه‌ها و منابع دست‌اول مربوط به آنها گردآوری شده است و در ساختار تحقیق، به‌منظور ارائهٔ مشترکات آنان بررسی و تجزیه و تحلیل شده‌اند.

### آشنایی دو اندیشمند با انگلستان

مستشارالدوله و نامق کمال، هر دو این فرصت را به دست آوردند که در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم میلادی از نزدیک با انگلستان آشنا شوند. نامق کمال پس از اتمام تحصیلات و یادگیری زبان‌های عربی، فارسی و فرانسوی در ادارهٔ ترجمه که از نیروهای آشنا به زبان‌های اروپایی بهره می‌گرفت، استخدام شد و آنگاه به روزنامه‌نگاری رو آورد و با روزنامهٔ تصویر افکار همکاری کرد که به‌همت ابراهیم شناسی منتشر می‌گردید. بعد از آنکه شناسی در ۱۸۶۵م. مخفیانه به پاریس رفت، نامق کمال ادارهٔ روزنامه را به دست گرفت (Islam Ansiklopedisi, 55-56/9: 1964). در همان سال به‌منظور سوق دادن دولت عثمانی به سمت نظام مشروطه، با چند تن از دوستانش جمعیت نوعثمانی‌ها را تشکیل داد که اعضای آن مشروطه را راه‌حلی برای رهایی دولت از عقب‌ماندگی می‌دانستند (çelik, 1999: 339).

اعضای جمعیت برای نیل به مقصود، توطئه‌ای علیه دولت تدارک دیدند و چون جمعیت نوعثمانی‌ها، دولت را از وجود توطئه باخبر کردند، نامق کمال و سایر اعضا مجبور به خروج از عثمانی شدند. البته کمال هم‌زمان با این مسئله در روزنامهٔ تصویر افکار، با نوشته‌ای زیر عنوان "مسئلهٔ شرقیه" از سیاست خارجی دولت در لفافه انتقاد کرد و به‌همین علت، حکومت او را برای دور کردن از استانبول به معاونت والی ارزروم<sup>۱</sup> منصوب کرده نمود. کمال و دیگر اعضای جمعیت نوعثمانی‌ها در همین زمان دعوت‌نامه‌ای از مصطفی فاضل پاشا<sup>۲</sup> دریافت کردند که آنها را به عزیمت به پاریس دعوت کرده بود. او با قبول دعوت مصطفی فاضل پاشا و با یاری ژان پیتری<sup>۳</sup> مدیرمسئول روزنامهٔ قوریه دوریان<sup>۴</sup> با کشتی به پاریس فرار کرد و حدود ده روز بعد از کشف توطئه یعنی در ۳۰ می ۱۸۶۷م. به‌همراه سایر اعضا مانند ضیا بیگ و علی سعوی به مصطفی فاضل پاشا پیوستند (Ibid: 339; kemal, 2004: 6-7).

<sup>۱</sup>. Erzurum

<sup>۲</sup>. مصطفی فاضل پاشا برادر اسماعیل پاشا خدیو مصر بود. او از جانشینی خدیو محروم شده و به‌دنبال رنجش از سلطان عثمانی مجبور به اقامت در اروپا شده بود. او سلطان را به برقراری نظام مشروطه در عثمانی ترغیب می‌کرد.

<sup>۳</sup>. Gian Pietri

<sup>۴</sup>. Courrier d'orient

هنوز یک ماه از اقامت آنها در پاریس نگذشته بود که روابط دولت فرانسه با عثمانی دوستانه شد و سلطان عبدالعزیز برای سیاحت به فرانسه عزیمت کرد و دولت فرانسه از کمال و دوستانش خواست پاریس را ترک کنند. آنها در ۳۰ ژوئن ۱۸۶۷م. به لندن رفتند. به دنبال سفر سلطان عبدالعزیز به فرانسه، مصطفی فاضل پاشا نظر موافق سلطان را برای بازگشت به استانبول جلب نمود و از پادشاه دو ماه اجازه گرفت که بعد از انجام کارها در پاریس به استانبول برگردد. او در پاریس، صندوقی با سرمایه ۲۵۰ هزار فرانک با هدف چاپ نشریات ایجاد کرد و برای هر کدام از اعضای عثمانیان جوان مقررری شخصی در نظر گرفت (Kaplan 1948: 63-64). به دنبال این تصمیم، روزنامه مخبر در لندن از ۳۱ اوت ۱۸۶۷م. شروع به انتشار نمود؛ اما چون نامق کمال و ضیا پاشا در انتشار آن با علی سعوی اختلاف نظر پیدا کردند، به فکر افتادند روزنامه دیگری منتشر کنند. آنها بعد از کسب نظر مساعد مصطفی فاضل پاشا، روزنامه حریت را از ۲۹ ژوئن ۱۸۶۸م. منتشر کردند. از شماره ۶۴<sup>۱</sup> روزنامه حریت، نامق کمال از دوستانش در این روزنامه جدا شد و در نهایت با تضمین حسین پاشا ناظر، ضبطیه دولت عثمانی در ۲۴ نوامبر ۱۸۷۰م. به استانبول بازگشت و بعدها در تدوین قانون اساسی مشروطه اول عثمانی نقشی مؤثر ایفاء نمود (Islam Ansiklopedisi, 60-67/9).

مستشارالدوله هم‌زمان با حضور نامق کمال این فرصت را به دست آورد که به انگلستان سفر کند. البته آشنایی او با انگلیسی‌ها به سال‌ها قبل از سفرش به اروپا برمی‌گشت. او اولین بار کار اداری را در کنسولگری انگلستان در تبریز آغاز کرد و در ۱۲۷۰ق. / ۱۸۵۳م. به قول ناظم‌الاسلام کرمانی برای خدمت به وطن از کنسولگری استعفا داد و به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. حدود سیزده سال در شهرهای مختلف روسیه مانند حاجی ترخان، تفلیس و پترزبورگ خدمت کرد و آنگاه در ۱۲۸۳ق. / ۱۸۵۶م. به کارداری سفارت ایران در فرانسه منصوب شد و تا ۱۲۸۶ق. در فرانسه بود. در طول این مدت، چهار بار به انگلستان مسافرت کرد (مستشارالدوله، ۱۳۶۴: ۸) تا از نزدیک با پیشرفت‌های آنجا آشنا شود. در ۱۳۰۱ق. / ۱۸۸۳م. با انتصاب به مقام ژنرال کنسولی ایران در بمبئی، فرصت دیگری دست داد تا او بار دیگر با انگلستان ارتباط نزدیکی داشته باشد (پاشازاده، ۱۳۹۱: ۱۵۷) و در طول اقامت دو ساله خود در هند از سیاست‌های استعماری انگلستان در هندوستان نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی اطلاع کامل پیدا کند.

۱. شماره ۶۴ روزنامه در ۷ جمادی‌الآخر ۱۲۸۶ق. / ۱۳ سپتامبر ۱۸۶۹م. منتشر شده است.

چنانکه گذشت، حضور مستشارالدوله در فرانسه و مسافرت‌های او به لندن با فرار نامق کمال و اعضای جمعیت نوعثمانی‌ها به اروپا هم‌زمان بود. او در اروپا با اعضای جمعیت نوعثمانی از نزدیک ارتباط برقرار کرد و در نامه‌های خود به آخوندزاده، بارها از صحبت‌های دوستانهٔ خود با علی سعوی سخن به میان آورد و نظرهای او را در مورد اصلاح خط به آخوندزاده انعکاس داد. هر چند در نامه‌هایش از نامق کمال یاد نکرد؛ اما از ورود روزنامهٔ حریت به بحث الفبا نیز به آخوندزاده خبر داد که توسط کمال و ضیا بیگ منتشر می‌شد (پاشازاده، ۱۳۹۶: ۷۰-۵۹). شاید او همانند سعوی با نامق کمال نیز مراداتی داشته است؛ اما سندی در این زمینه در دست نیست.

### انگلستان نماد ترقی

انگلستان قرن نوزدهم برای مستشارالدوله و نامق کمال، نماد مملکتی مترقی بود و می‌توانست الگویی برای ترقی در دو جامعه باشد. مستشارالدوله زمانی که به‌عنوان مأمور وزارت امور خارجه، پیشرفت‌های جامعهٔ روسیه را مشاهده کرد، تردیدی نداشت که آن جامعه، الگویی کوچک از جوامع غربی مانند انگلستان است. او نگاه تمجیدآمیز خود به انگلستان آن زمان را با دستمایه‌فرار دادن مرگ لرد پالمستون به وزارت امور خارجه چنین انعکاس داد: «از فوت لرد پالمستون ملت انگلیس نباید ملول و محزون باشند چون که هزار پالمستون دارند. اگر چه گوی عقل و تدبیر را از میان برداشته بود. بلاشک در انگلیس نظیر او پیدا خواهد شد. خداوند به آنها ترحم فرماید که نه پالمستون دارند و نه پارلامنت» (آرشیو اسناد وزارت امور خارجهٔ ایران، سند شماره: ۲۷-۱۱-۲، ۱۲۸۱ق.).

همین تصور در مورد جوامع غربی، میرزا یوسف خان را شیفتهٔ مسافرت به فرنگستان کرده بود و از اولیای دولت ایران تقاضا می‌کرد به او اجازه دهند به فرنگستان سفر نماید. زمانی که آرزوی او با انتصاب به کرداری پاریس برآورده شد، چهار بار به انگلستان مسافرت کرد تا از نزدیک ترقی در جامعهٔ انگلستان را مشاهده کند.

نامق کمال نیز نگاه ستایش‌آمیزی به ترقی انگلستان زمان خود داشت. او هنگامی که خواست ترقی در مغرب زمین را تشریح کند، شهر لندن را مثال زد و در مورد دلیل این انتخاب چنین نوشت: «نیازی به گردش ممالک متمدن نیست. انسان اگر شهر لندن را با دقت نظر تماشا کند مشاهداتش او را دچار حیرت می‌سازد. اگر به لندن نمونهٔ عالم اطلاق شود مبالغه نخواهد بود. چنانچه مجموعه آثار ترقی در زمین به شکل عکسی فراهم شود،

مدنیت موجود را بهتر از لندن نشان نمی‌دهد. به همین دلیل، من هم لندن را به عنوان نمونه انتخاب کردم.» (روزنامه عبرت، ۱۲۸۹ق: ۱)

کمال، مفتونی خود به تمدن انگلیسی را به‌وضوح اعلام می‌کرد و در مورد نمودهای ترقی در لندن نوشت که: فرد برای مشاهده جریان عدالت در لندن باید به پارلمان قدیمی آن بنگرد که از سیصد چهارصد برگزیده ملت تشکیل شده است. در مکاتب آن کودکان ده دوازده ساله چنان تربیت شده‌اند که گویی آدم‌های سی‌ساله‌ای هستند و در رشديه‌هایشان متعلمان سه تا چهار زبان آموخته و در چندین علم و فن مهارت یافته‌اند. افرادی هستند که در اوقات فراغت خود مسائل عمیق ریاضیات را مطالعه می‌کنند و نویسندگانی دارند که مسائل عمیق حقوقی حکیمان آلمانی را به نقد می‌کشند. باغ‌وحش آن، همانند کشتی نوح همه حیوانات را داراست و دوربین‌های رصدخانه‌اش از عوالم دیگر پرده‌برداری می‌کند. هر کدام از کتابخانه‌های چندین میلیون کتاب در هر زبان دارند و صدها کتابدار متخصص در موضوع‌های مختلف مشغول خدمت‌رسانی‌اند (همان). افزایش سرعت با به‌کارگیری قوه بخار، ثروت بیش از حد تصور مملکت، رونق بازار و تجارت برای آسیایی‌ها که منبع ثروتشان زراعت است قابل تصور نیست. سیستم حمل‌ونقل عمومی شهر و کارخانه‌های بزرگ آن حیرت‌انگیزند. در چاپخانه‌هایش در هر ساعت دویست هزار نسخه روزنامه چاپ می‌شود و در یک چاپخانه پنجاه هزار نفر مشغول کار هستند. هتل‌ها، معادن و راه‌آهن آن موجبات غبطه را فراهم می‌آورد و این همه در حالی است که از حکومت جز آنهایی که مشغول تأمین امنیت مردم هستند کسی دیگر در میان مردم مشاهده نمی‌شود (همان: ۲).

کمال به دنبال این توصیف‌ها از لندن نوشت: «با افکاری که به‌طور دائمی مصروف علم و عمل می‌کنند چنان دنیای رفاهی فراهم آورده‌اند که قلعه‌های جواهرین در هند و چین، قصرهای زرین و گلستان‌های الوان تصویر شده در خیالات غالبانه شاعران ایرانی در مقایسه با آن در حکم هیچ‌اند.» (همان: ۳)

### انگلستان، ایران و عثمانی

سیاست‌های انگلستان در قرن نوزدهم میلادی سبب شد که مستشارالدوله و نامق کمال در برهه‌ای انگلستان را حامی ایران و عثمانی تلقی نمایند. سیاست‌های انگلستان در ایران و عثمانی قرن نوزدهم میلادی بیشتر از هر چیز به تأمین امنیت هند معطوف بود. از ابتدای قرن، هم ایران و هم عثمانی در معرض تهاجم روسیه قرار داشتند و این تهاجم، انگلستان را در باره امنیت هند نگران می‌کرد.

روس‌ها در ۱۲۴۹ق./ ۱۸۳۳م. معاهدهٔ خونکار اسکله‌سی<sup>۱</sup> را با عثمانی منعقد کردند و به‌موجب آن دو طرف متعهد شدند در صورتی که قلمرو یکی از آنها مورد هجوم واقع شود، طرف دیگر به کشور مورد هجوم یاری رساند و مقرر گردید نحوهٔ حمایت‌ها در مذاکرات بعدی مشخص شود. همچنین به‌موجب معاهده، سلطان متعهد شده بود در موقع بروز جنگ، تنگه‌های بسفر و داردانل را بر روی کشتی‌های خارجی ببندد؛ در نتیجه، معاهده به روس‌ها اطمینان می‌داد که ساحل دریای سیاه از حمله‌های انگلستان و فرانسه در امان می‌ماند (شاهو، ۱۳۷۱: ۷۶/۲).

بعد از معاهدهٔ خونکار اسکله‌سی، پالمرستون «محافظةت از استقلال و تمامیت سیاسی امپراتوری عثمانی» را برای منافع انگلستان و «حفظ توازن قدرت در اروپا» بسیار مهم و مؤثر ارزیابی کرد (اینالچق و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۸۱) و مطبوعات و محافل انگلستان خواستار آن شدند که دولتمردان انگلیس تدابیر لازم را «برای حفظ امنیت کامل هندوستان» اتخاذ نمایند (همان: ۲۸۲). به‌دنبال این مسائل، پونسونبی سفیرکبیر انگلیس در عثمانی در سیاست خود دو هدف عمده را پیگیری نمود که عبارت بودند از بی‌اعتبار کردن روس‌ها در انظار ترک‌ها و ترغیب وزارت امور خارجهٔ انگلستان به مقابله با روسیه.

همین سیاست انگلیسی‌ها موجب شد که آنها در سال‌های بعدی از تنظیمات نیز حمایت کنند. نویچف در این زمینه نوشته است:

حکومت انگلیس، فرمان را بیش از هر چیز در راستای سیاست آنتی روسی (ضد روسی) خود مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌داد. حکومت انگلستان که حرکات روسیه را- که در راستای خلاف منافع او در خاورمیانه و نیز تهدید راه‌های منتهی به هندوستان بود- به دقت زیر نظر داشت، منتظر بود ترکیه با انجام دادن اصلاحات نیرومند شود و سیاست ضد روسی را در خاورمیانه در پیش گیرد. انگلستان امید داشت با برقراری تساوی میان مسلمانان و غیرمسلمانان، به وسیلهٔ خط همایون [فرمان تنظیمات] به مداخلات روسیه در امور داخلی ترکیه پایان دهد که به بهانهٔ حمایت از اسلاوهای ارتدکس همکیش و همزاد روسیه صورت می‌گرفت. به این ترتیب، بنا بر پیش‌بینی آنها، تضعیف نفوذ روسیه در خاورمیانه به افزایش نفوذ انگلستان در ترکیه می‌انجامید (همان: ۳۲۳).

تهدیدهای جدی روسیه و سیاست حمایت انگلستان از عثمانی موجب شد تا کمال سیاست هم‌گرایی با انگلستان را به دولتمردان عثمانی در قرن نوزدهم میلادی پیشنهاد کند. او رشید پاشا بنیان‌گذار تنظیمات را به‌دلیل اتخاذ چنین سیاستی ستود (کمال، ۱۳۲۷ق.:

<sup>۱</sup>. Hunkers İskelesi

۱۱ و ۱۴) و از عالی پاشا و فؤاد پاشا به دلیل تمایل به فرانسه انتقاد کرد (همان: ۱۴). کمال با تشریح خطر روسیه، اتکاء به فرانسه و اتریش را در مقابل این خطر، غیرواقعیانه دانست. به اعتقاد او سیاست انگلستان به دلیل نظام سیاسی آن و تدوین راهبردهای سیاست خارجه در درازمدت، همواره در گذر زمان ثابت می ماند، حال اینکه اتریش و فرانسه سیاستی قائم به فرد داشتند و همواره ممکن بود سیاست و در نتیجه سیاست خارجه آنها، دچار تغییر شود. با این تلقی، او انگلستان را بهترین مدافع حقوق عثمانی قلمداد می کرد.

به اعتقاد کمال، روسیه قصد داشت عثمانی را نابود کند و دولت های غربی مانند انگلستان و فرانسه می خواستند مانع این امر شوند؛ اما آنها به رغم این نیت خود مجبور می شدند به هم مذهبان روسی یاری رسانند که به تحریک روس ها قیام کرده بودند؛ چرا که عثمانی حاضر نمی شد اصلاحات مورد نظر آنها را انجام دهد. کمال برای اثبات درستی باور خود تلاش غربی ها را در حمایت از عثمانی در زمان حضور منچیکوف<sup>۱</sup> در استانبول مثال زد که طی آن انگلستان و فرانسه از بذل جان و مال دریغ نکرده بودند (روزنامه حریت، ش ۴: ۱۲۸۵ق). کمال امیدوار بود با انجام اصلاحات و سوق دادن عثمانی به سمت نظام مشروطه از حمایت کامل انگلستان برخوردار شود.

مستشارالدوله نیز همانند کمال برای مدتی با توجه به تهدید روس ها جلب حمایت انگلیسی ها را جست و جو می کرد. روس ها در ابتدای قرن نوزدهم میلادی به موجب عهدنامه ترکمانچای، سرزمین های ماورای ارس را از ایران جدا کردند و حق کاپیتولاسیون و حقوق گمرکی ۵ درصدی را به ایران تحمیل نمودند (تاجبخش، ۱۳۶۱: ۲۵۰-۲۴۰). تلاش های روسیه در جهت گسترش طلبی موجب شد که مستشارالدوله برای مقابله با آنها، راهکارهایی را به وزارت امور خارجه ارائه دهد. او حفظ روابط دوستانه با روس ها، سنجش هوشیاریانه تحرک های آنها و سیاست همکاری با انگلستان را برای دولتمردان ایرانی در این زمینه راهگشا می دانست (آرشو اسناد وزارت امور خارجه ایران، سند شماره: ۱۳-۴-۳، ۱۲۸۶ق).

برخلاف اعتقاد مستشارالدوله، دولت انگلستان بعد از معاهده ترکمانچای در مقابل گسترش طلبی روسیه فقط زمانی واکنش نشان می داد که خطری متوجه هندوستان می شد (اولسون، ۱۳۸۰: ۷). او نیز در نهایت، از این اعتقاد خود در مورد انگلستان دست کشید و این تغییر اعتقاد را به جنگ ۱۲۹۳ق. / ۱۸۷۷م. میان عثمانی و روسیه مربوط دانست که در

۱. پرنس منچیکوف، سفیر کبیر روسیه که در ۱۲۶۹ق. / ۱۸۵۳م. و در زمان وزیر خارجه بودن فؤاد پاشا، به دلیل تمایل فؤاد به فرانسوی ها به استانبول رفت. او از دیدار با وزیر امور خارجه خودداری کرد و این مسئله موجب شد فؤاد پاشا پس از هفت ماه در ۲۵ جمادی الاول ۱۲۶۹ق. از وزارت امور خارجه استعفا کند.



آن روس‌ها با جلب حمایت انگلستان، به بهانهٔ بهبود وضعیت مسیحیان ساکن بالکان به عثمانی حمله کردند و نصرانی‌ها در بالکان تحت حمایت روس‌ها، مسلمانان را قتل‌عام نمودند (یاقی، ۱۳۸۶: ۱۶۱). مستشارالدوله، در این زمینه در مکتوب خود به مظفرالدین میرزا ولیعهد ایران در ۱۳۰۶ ق. نوشت:

پیش از جنگ (۱۸۷۷) مسیحی فیما بین روس و عثمانی اعتقاد همهٔ ملت‌های متمدنه بر این بود که هیئت دول اروپ همه در خیال این هستند که روز به روز اوضاع آسایش ابنا بشر و رفاهیت جهانیان را رونق داده، آیین عدالت و حریت و حقانیت را در جهان عمومی کنند. در این اعتقاد قوی داشتیم بر آنکه، مدار زندگی و نظم بلاد و آسایش عباد بسته به مرکزهای سیاسی دربارهای دول اروپ است. اهالی فرنگستان، بعضی اطوار و آداب دول مشرقیان را به وحشی‌گری و نادانی و بی‌علمی نسبت می‌دهند و وضع دول اروپا را به تربیت و مدنیت و انسانیت می‌شمارند. اگر انصاف را به دقت همراه کنیم خواهیم دید وضع حالیهٔ اروپائیان با حالت وحشیان آفریقا فرقی ندارد (کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۷۵/۱).

مستشارالدوله لازم می‌دانست که ایران در آن وضعیت برای حفظ حقوق خود از دولت‌های خارجی، دوستان و یارانی مشخص کند و برخلاف اعتقاد سابق خود، این بار انگلستان را در کنار روسیه قرار داد که با وجود «حق همسایگی» بر ایران، «حق و حسدشان» به همدیگر، «دولت ایران را به سخت‌ترین حالتی افکنده که به جهت حفظ حقوق مجبور به تکلفات مالایطاق شده است». او پیشنهاد کرد که ایران در آن وضعیت به فرانسه نزدیک شود و مهم‌تر از آن از طریق اتحاد با عثمانی و افغانستان، گامی در جهت یگانگی و اتحاد مسلمانان بردارد (همان: ۱۷۶-۱۷۵).

هر چند از نامق کمال، مطلبی در مورد توصیهٔ او به دوری از انگلستان به دست نیامد؛ اما علاقهٔ او به اتحاد اسلام و ضرورت آن می‌تواند در همین راستا ارزیابی شود. وی در مقاله‌ای (نوری، ۱۳۳۱ ق.: ۳۶۹-۳۶۵) در مورد اتحاد اسلام، مقابلهٔ جداگانهٔ ممالک اسلامی را با اروپا غیرممکن و اتحاد مسلمانان را برای این مقابله ضروری دانست.

### نتیجه‌گیری

اندیشمندان ایران و عثمانی در قرن نوزدهم میلادی از یک طرف با سیاست‌های گسترش‌طلبانهٔ روسیه در ایران و عثمانی و از طرف دیگر با سیاست‌های انگلستان برای مقابله با آن مواجه بودند که در جهت تأمین امنیت هند و حفظ منافع بریتانیا صورت

می‌گرفت. بی‌توجهی به اهداف دیپلماسی انگلستان در ایران و عثمانی برای نامق کمال و مستشارالدوله و مفتونی آنها به تمدن انگلیسی، این تصور اشتباه را به‌همراه آورد که انگلستان را حامی ایران و عثمانی بدانند و به دولتمردان دو جامعه توصیه کنند تا با دیپلماسی انگلستان در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم میلادی همراهی نمایند.

به تدریج و با اقدام‌های انگلستان در جهت مخالفت با منافع جهان اسلام، حرکت آشکار آن دولت در خلاف مصالح و منافع ملی ایران و عثمانی و تأیید کشتار مسلمانان در جریان جنگ عثمانی و روسیه، مستشارالدوله و کمال از همراهی با سیاست‌های دولت انگلستان دوری گزیدند و برای مقابله با اروپا سیاست اتحاد مسلمانان را پیشنهاد کردند. مستشارالدوله که چند سالی بیشتر از کمال عمر کرد، میان سیاست‌های انگلستان و روسیه در ایران تمایزی قائل نشد و همانند کمال، اتحاد مسلمانان را مصلحتی برای جهان اسلام در مواجهه با غرب معرفی کرد. این همه نشانگر آن است که اندیشمندان ایران و عثمانی با توجه به ضرورت زمانه و گاه بدون اطلاع از همدیگر به دیدگاه‌هایی همسان در حوزهٔ دیپلماسی و سیاست خارجی رسیده بودند.

## منابع و مآخذ

### فارسی

#### اسناد:

آرشیو اسناد وزارت امور خارجهٔ ایران، سند شمارهٔ ۲۷ و ۱ و ۲- ۱۲۸۲ و ۱۲۸۱ ق.  
-----، سند شمارهٔ ۱۳ و ۴ و ۳- ۱۲۸۶ ق.

#### کتاب‌ها:

- اولسون، ویلیام جی، ۱۳۸۰، *روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول*، ترجمه: حسن زنگنه، تهران: شیرازه.
- اینالجیق، خلیل و محمد سید دانلی اوغلو، ۱۳۹۱، *امپراتوری عثمانی در عصر دگرگونی تنظیمات*، تهران: پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام.
- پاشازاده، غلامعلی، ۱۳۹۱، *در جستجوی قانون (زندگی و اندیشهٔ میرزا یوسف خان مستشارالدوله)*، تهران: نشر علم.
- ، ۱۳۹۶، "اندیشهٔ اصلاح خط سعاوی و رد پای آن در آثار و مناسبات آخوندزاده و شیخ‌الاسلام قفقاز"، *پژوهش‌های تاریخی*، شمارهٔ ۳۳، صص ۷۰-۵۹.

## سیاست‌های انگلستان از نگاه اندیشمندان ایران و عثمانی در نیمهٔ دوم قرن... □ ۶۷

- تاجبخش، احمد، ۱۳۶۲، *سیاست‌های استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران*، تهران: اقبال.
- شاو، استفورد جی. و ازل کورال شاو، ۱۳۷۱، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، جلد ۲، ترجمه: محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- کرمانی، ناظم الاسلام، ۱۳۶۲، *تاریخ بیداری ایرانیان*، بخش اول، به کوشش: علی اکبر سعیدی سیرجانی تهران: آگاه.
- کمال، نامق، ۱۳۲۷، "شرق مسئله سی" *کلیات کمال*، برنجی ترتیب ۳، *مقالات سیاسی و ادبیه*، جزء ۱، استانبول: محمد بک مطبعه سی.
- مستشارالدوله، میرزا یوسف خان، ۱۳۶۴، *یک کلمه*، به کوشش: صادق سجادی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- نوری، جلال، ۱۳۳۱ق.، *اتحاد اسلام*، استانبول: یکی عثمانلی مطبعه سی.
- یاقی، اسماعیل احمد، ۱۳۸۶، *دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال*، ترجمه: رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- روزنامهٔ حریت، "شاوورهم فی الامر"، ۳۰ ربیع‌الاول ۱۲۸۵ق. / ۲۰ جولای ۱۸۶۸م.، شمارهٔ ۴.
- روزنامهٔ عبرت، "ترقی"، رمضان ۱۲۸۹ق.، شمارهٔ ۴۵.

### لاتین:

- Çelik, Hüseyin, 1999, *Yeni Osmanlılar cemiyeti Ve Turkiyede Parlamenter System Tartismalarininin Başlanmasi*, cilt 7, Ankara: Osmanlı.
- Islam Ansiklopedisi*, 1964, 9 cilt, Istanbul: Milli Egitim Basimevi.
- Kaplan, Mehmet, 1948, *Namik Kemal Hayati ve eserleri*, Istanbul: Ibrahim Horoz Basimevi.
- Kemal, Namik, 2004, *vatan yahut silistere*, Istanbul: Bordo siyah klasik yayinlar.